

آسیب شناسی تاثیر سمن‌ها بر توسعه سیاسی ایران؛ با تاکید بر ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵

دکتر مالک ذوالقدر^۱

اصغر الهیاری^۲

چکیده:

امروزه اهمیت و ضرورت مشارکت آحاد مردم در اداره یک جامعه بر هیچ کسی پوشیده نیست. بخصوص در جوامع مردم سالاری همانند جمهوری اسلامی ایران که متکی بر حضور مردم در صحنه بوده و این حضور و مشارکت حداکثری نظام اسلامی ایران را از گردنه‌های صعب العبوری به سلامت به مقصد رسانده است. نگاهی به مشکلات در ایران به عنوان فضایی که دولت همواره داعیه دخالت در امور آن را دارد ما را وادار به آسیب شناسی تاثیر سمن‌ها بر توسعه سیاسی ایران در دهه‌های اخیر می‌کند. با این شرایط روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی - توصیفی و روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای است. یافته‌ها نشان دهنده این است که نبود قانون مدون و روشن باعث شده تا سازمان‌های مردم نهاد (سمن) در ایران از کارایی سیاسی مطلوبی همچون تربیت سیاسی شهروندان، نخبه پروری و کوچک سازی دولت برخوردار نباشند.

واژگان کلیدی: سمن، توسعه، توسعه سیاسی، سرمایه اجتماعی، سیاست‌گذاری

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

Malek_Zolghader@yahoo.com

^۲ - دانشجوی دوره دکترای، علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، قزوین، ایران

(نویسنده مسئول)

Sefidyas20@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۲۳

سرمایه اجتماعی^۱ را به سادگی می‌توان به عنوان وجود معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان ایشان مجاز است، در آن سهیم هستند. مشارکت^۲ در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشند. هنجارهایی که سرمایه اجتماعی تولید می‌کنند، به طور اساسی باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشد. به طور کلی از سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه گردیده است. یکی از تعاریف مطرح، سرمایه اجتماعی را مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی دانسته که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد. براساس این تعریف، مفاهیمی نظیر جامعه مدنی^۳ و نهادهای اجتماعی از نظر مفهومی با سرمایه اجتماعی نزدیک می‌گردند. (ابراهیم زاده، ۱۳۸۹: ۱۳)

در این حال با وجود قدمت فعالیت و حضور سازمان‌های غیر دولتی که به نوعی جز جدایی ناپذیر فرهنگ ملی و مذهبی ما بوده‌اند، در سال‌های اخیر به دلیل مفهوم سازی جدید، به ویژه در مطالعات اجتماعی و اقتصادی و نیز ظهور تعیین صلاحیت سازمان‌های غیر دولتی، نقش عمده‌ای در ارتقا و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی ایفا می‌کنند.

دولت‌ها به واسطه تمرکز امور در خود در طولانی مدت به واسطه ناتوانی در برآوردن خواسته‌های شهروندان با بحران مشروعیت مواجه شدند و لذا با پیگیری سیاست تمرکززدایی^۴ و اعطای اختیارات به نهاد مطلوب مطرح گردید. در همین راستا نقش بازیگران غیر دولتی در شکل دهی به حاکمیت شایسته و مطلوب در مسیر توسعه و پیشرفت به صورت کاملاً محسوسی درک شد و سازمان‌های غیر دولتی با داشتن گرایش‌های غیرسیاسی، غیردولتی و غیر انتفاعی در تلاشند فاصله میان دولت‌ها و ملت‌ها را به صورت حد واسطی تکمیل نمایند و این خود موجب گسترش فرآیند توسعه سیاسی می‌گردد.

1 - Social capital

2 - taking part

3 - Civil Society

4 - Decentralization Policy

از منظر دیگر امروزه شهرها در بستر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورها نقش‌های بسیار حساسی ایفا می‌کنند. شهرها با برعهده گرفتن نقش‌های گوناگون در نظام سیاستگذاری کشورها، کارویژه‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند. اغلب معروفیت شهرها بواسطه عملکردی است که در بستر قلمرو یک کشور بر عهده می‌گیرند. شهرهایی نظیر لندن، پاریس، نیویورک، پکن، مونترال، توکیو، دبی هر یک معروفیت‌هایی را نصیب خود کرده‌اند و در صدد حفظ و توسعه آن هستند تا بر جاذبه‌های خود بیفزایند و جایگاه خود را در محیط سخت رقابت مستحکم‌تر سازند. (پورمحمدی، ۱۳۹۰: ۳۲)

در این پژوهش سعی بر آن است که نقش و جایگاه سازمان‌های مردم نهاد را در تحقق و بهبود فرآیند توسعه سیاسی پرداخته شود. هم چنین به دلیل اینکه نقش سازمان‌های غیر دولتی مورد توجه کارگزاران دولتی بوده و این سازمان‌ها، بستر رشد و ارتقا افراد را فراهم می‌آورند و در قالب شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی در تلاشند فاصله میان دولت و ملت‌ها را به صورت حد واسطی تکمیل نمایند، مهم تلقی می‌شود. بنابراین سازمان‌های غیر دولتی موجب تحقق توسعه و افزایش سرمایه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه می‌گردد.

چارچوب نظری (نظریه گفتمان^۱)

در سال‌های اخیر نظریه گفتمان در حوزه‌های مختلف علوم انسانی کاربرد وسیعی یافته است. شاید بتوان مهمترین دلیل رشد این نظریه را نارضایتی از پوزیتیویسم^۲، به خصوص در رشته‌هایی چون علوم سیاسی و جامعه شناسی دانست. رشد این نظریه همچنین تحت تأثیر چرخش زبانی در دهه ۱۹۷۰ و نظریه‌های هرمنوتیک^۳، نظریه انتقادی^۴ و پسا ساختارگرایی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ قرار داشته است. این نظریه بر نقش زبان در بازنمایی و نیز ایجاد واقعیت اجتماعی تأکید می‌کند. بنابراین نظریه، دسترسی به واقعیت تنها از طریق زبان میسر است؛ اما بازنمایی واقعیت از طریق زبان هرگز بازتاب واقعیت از پیش موجود و عینی نیست، بلکه در این بازنمایی، زبان در ایجاد واقعیت نقش ایفا می‌کند. در واقع جهان محصول گفتمان هاست. (سلطانی، ۱۳۸۷: ۶۳)

^۱ - Discourse theory

^۲ - Positivism

^۳ - Hermeneutic theory

^۴ - Critical Theory

البته این نظریه وجود واقعیت را نفی نمی‌کند، اما معتقد است اشیا و پدیده‌ها تنها از طریق گفتمان معنا می‌یابند؛ برای مثال طغیان رودخانه و جاری شدن سیل حادثه‌ای است که مستقل از تفکر و ذهنیت مردم روی می‌دهد، اما از همان زمان که مردم شروع به معناداری به آن می‌کنند تبدیل به موضوعی گفتمانی می‌شود و افراد براساس گفتمانهای مختلف، آن را به خشم خدا، سومدیریت دولتی، ال نینو، خرابی سیل بند و... نسبت می‌دهند و به این ترتیب، این واقعه براساس هر گفتمان معنای متفاوتی پیدا می‌کند؛ اما دامنه گفتمان فقط به معنا بخشی محدود نمی‌شود، بلکه هر یک از این دریافت‌ها سلسله اعمال خاصی را ایجاد می‌کنند و پیامدهای خاص اجتماعی به دنبال دارند؛ از این رو در مثال بالا، براساس هر گفتمان تصمیمات متفاوتی چون ساختن سیل بند، دفاع از سیاست‌های زیست محیطی، انتقاد از دولت و یا تقویت دین داری اتخاذ می‌شود. بنابراین گفتمان‌ها به واقعیت معنا می‌دهند و جهان اجتماعی در نتیجه همین فرایند معنا بخشی ساخته می‌شود و تغییر می‌کند؛ به عبارت دیگر، در این نظریه زبان صرفاً گذرگاه انتقال اطلاعات و بازنمایی صرف واقعیت نیست، بلکه ماشینی است که جهان اجتماعی را می‌سازد و معنادار می‌کند. (دایان، ۱۳۸۰: ۷۲)

هویت‌ها و روابط اجتماعی نیز محصول زبان و گفتمان‌ها هستند و تغییر در گفتمان تغییر در جهان اجتماعی را به همراه خواهد داشت و نزاع گفتمانی به تغییر و باز تولید واقعیت اجتماعی منجر می‌شود. همچنین این نظریه بر تاریخی و فرهنگی بودن هویت و دانش انسانی تأکید می‌کند. در گرایش‌های مختلف علوم انسانی تفسیرهای مختلفی از نظریه گفتمان وجود دارد. (دریفوس، ۱۳۷۶: ۱۷۳)

رهیافت‌های گفتمانی از سازنده گرایی اجتماعی^۱ الهام می‌گیرند. این اصطلاح به طیفی از نظریات گفته می‌شود که دانش و هویت انسانی^۲ را اجتماعی و محصول فرهنگها و گفتمان‌ها می‌دانند و هر نوع مبنایگرایی و ذاتگرایی را رد می‌کنند. در این نظریات انسان از هیچ هویت پیشینی برخوردار نیست و دانش نیز محصول شرایط اجتماعی است و هیچ حقیقت بنیادین و غیر قابل تغییر وجود ندارد؛ به یک تعبیر همه چیز به زمان و شانس بستگی دارد. بنابراین نوعی نسبی گرایی^۳ و سیالیت دامنگیر این نظریات است. (خالقی فر، ۱۳۸۷: ۱۸)

^۱ - Social constructivism

^۲ - Human identity

^۳ - Relativism

در نظریه گفتمان با تعمیم تحلیل‌های زبانی به جامعه، این نسبی‌گرایی تشدید شده است. در این نظریه معیارهای بنیادین صدق و کذب بیرون از گفتمان‌ها وجود ندارند و نمی‌توان جز در چارچوب گفتمان خاص به ارزیابی ادعاهای آن پرداخت. صحت و سقم گزاره‌ها به استحکام و مجاب‌کنندگی آنها در درون یک گفتمان بستگی دارد؛ به این ترتیب پرسش‌های بنیادین فلسفه در مورد حقیقت و ذات بی‌معنا می‌شود. اگر ما به منطق نظریه وفادار بمانیم نسبی‌گرایی به حوزه ارزش‌های اخلاقی و دینی نیز سرایت خواهد کرد و عملاً امکان داوری در مورد خوب و بد محدود به چارچوب‌های درونی هر گفتمان خواهد شد. فقط در فرض وجود یک گفتمان مشترک می‌توان در مورد ارزش‌های اخلاقی داوری کرد و معیارهای جهانی برای داوری وجود ندارد، مگر این که ما قائل به وجود فراگفتمان‌هایی شویم که چارچوب‌های عام جهانی را دربر می‌گیرند، اما در این نظریه ظاهراً امکان طرح فراگفتمان وجود ندارد. (بی‌طرفیان، ۱۳۸۸)

لاکلا و موف خود به ارزش‌های سوسیالیستی و لیبرال دموکراسی وفا دارند و این ارزش‌ها را مبنای گفتمان رادیکال دموکراسی قرار داده‌اند و گفتمان‌های غیردموکراتیک را به عنوان دشمن طرد می‌کنند و لذا خود از موضع یک گفتمان مسلط در مورد سایر گفتمان‌ها داوری کرده‌اند و ظاهراً به منطق نظریه خود وفادار نبوده‌اند. همچنین این نظریه جامعه را به زبان و متن تقلیل می‌دهد، هرچند این عمل امکان استفاده از ظرفیت‌های گسترده نظریات زبانی را فراهم می‌آورد؛ اما مشکلاتی نیز ایجاد می‌کند؛ بی‌توجهی به ساختارها و واقعیت‌های اجتماعی و فرایندهای مادی از جمله پیامدهای این نظریه است. نوعی ذهن‌گرایی^۱ و ایده‌الیسم نیز دامنگیر این نظریه می‌شود که فرار از آن به سختی ممکن است. (دایان، ۱۳۸۰: ۱۹۲)

سمن (سازمان‌های مردم‌نهاد)

اصطلاح سازمان غیر دولتی^۲ به اشکال مختلف در سراسر جهان استفاده می‌شود و با توجه به بافت کلامی که در آن مورد استفاده قرار گرفته، به انواع گوناگون سازمان‌ها اشاره می‌کند که در ایران به عنوان «سازمان‌های مردم‌نهاد یا سمن» نام برده می‌شوند.

^۱ - Subjectivism

^۲ - NGO

سازمان غیر دولتی در کلی‌ترین معنایش، به سازمانی اشاره می‌کند که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی‌شود، اما نقش بسیار مهمی بعنوان واسطه بین فرد فرد مردم و قوای حاکم و حتی خود جامعه ایفا می‌کند. بسیاری از سازمان‌های غیر دولتی، سازمان‌های غیر انتفاعی نیز هستند. بودجه این سازمان‌ها از طریق کمک‌های مردمی، دستگاه‌های دولتی و توسط خود دولت یا ترکیبی از طرق مذکور تامین می‌شود. (شریفیان ثانی، ۱۳۹۰: ۱۲) بعضی از سازمان‌های غیردولتی نیمه مستقل^۱ وظایف و کارهای دولتی را نیز انجام می‌دهند. برخی از این سازمان‌ها هیچ علاقه‌ای به سیاست ندارند؛ این در حالی است که برخی از آنها به منظور تامین منافع اعضای خود صرفاً به لابی‌گری در دولت می‌پردازند. از آنجا که اصطلاح «سازمان غیردولتی» بسیار کلی است، بسیاری از این سازمان‌ها ترجیح می‌دهند از اصطلاح سازمان داوطلبانه خصوصی^۲ یا سازمان توسعه خصوصی^۳ استفاده کنند. سازمان‌های مردم نهاد جوانان به سازمان‌هایی گفته می‌شود که برای انجام فعالیت و ارائه خدمات داوطلبانه در عرصه‌های تربیتی جوانان با مشارکت جوانان و براساس مدیریت جوانان با استناد به موضوع ماده صد و دوازده قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در اجرای مصوبه شماره ۷۸۶۲ ت ۳۱۲۸۱ ه مورخ ۱۳۸۴/۵/۸ هیئت محترم وزیران فعالیت می‌نماید. (مبشری، ۱۳۸۷: ۳)

بررسی تاریخچه شکل‌گیری سازمان‌های مردم نهاد

اگر چه انجمن‌های داوطلبانه شهروندان در سراسر تاریخ وجود داشته‌اند، سازمان‌های غیردولتی اغلب به همان منوال که امروزه، بویژه در سطح بین‌الملل دیده می‌شوند، در دو قرن اخیر توسعه یافته‌اند. یکی از اولین سازمان‌های این چینی، صلیب سرخ جهانی است که در سال ۱۸۶۳ تاسیس شد. عبارت «سازمان‌های غیردولتی» با تاسیس سازمان ملل متحد^۴ در سال ۱۹۴۵ که مفاد آن در ماده ۷۱ از فصل ۱۰ منشور سازمان ملل آمده‌است، به وجود آمد. اولین تعریفی که از «سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی»^۵ ارائه شده است مربوط می‌شود به قطعنامه

1 - QUANGOs
 2 - PVO
 3 - PDO
 4 - United Nations
 5 - INGO

۲۸۸ (۱۰)^۱ به تاریخ ۲۷ فوریه، ۱۹۵۰: که در آن این چنین آمده است: «هرگونه سازمان بین-المللی که از طریق پیمان و معاهده بین‌المللی ایجاد نشده است». نقش اساسی سازمان‌های غیردولتی و دیگر «گروه‌های اصلی» در توسعه پایدار در ماده ۲۷ دستور کار ۲۱ به رسمیت شناخته شده است، که منجر به توافقات جدید و بازبینی شده برای روابط شورایی بین سازمان ملل و سازمان‌های غیر دولتی شد. (کایر، ۱۳۸۶: ۸۱)

فرایند جهانی‌سازی^۲ در قرن بیستم موجب اهمیت یافتن سازمان‌های غیر دولتی شد. امکان حل خیلی از مشکلات داخل یک کشور وجود نداشت. معاهدات بین‌المللی و سازمان‌های بین-المللی از قبیل سازمان تجارت جهانی بیش از حد بر منافع موسسات مالی بزرگ متمرکز بودند. در اقدامی برای متعادل کردن این روند، سازمان‌های غیردولتی با تاکید بر مسائل بشردوستانه، کمک به توسعه و توسعه پایدار تاسیس شدند که نمونه بارز آن اجلاس اجتماعی جهان است که هر ساله در ماه ژانویه در داووس برگزار می‌شود و رقیب اجلاس اقتصادی جهان محسوب می‌شود. گزارش تهیه شده توسط سازمان ملل در سال ۲۰۰۷ در خصوص حکومت جهانی نشان می‌داد که در آن زمان قریب به ۲۹۰۰۰ سازمان غیر دولتی بین‌المللی وجود داشته است. (پورمحمدی، ۱۳۹۰: ۴)

مراحل تکامل شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی

مراحل تکامل شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی سه مرحله یا دوران تکامل سازمان‌های غیردولتی توسط کورتون در نوشته‌ای تحت عنوان «سه دوره شکل‌گیری فعالیت‌های داوطلبانه» شناسایی شده است:

- در مرحله اول نوع خاصی از سازمان غیر دولتی شکل می‌گیرد که بر امداد رسانی و رفاه متمرکز بود و مستقیماً به افراد ذینفع خدمات امدادی ارائه می‌کرد. توزیع غذا، تامین پناهگاه و ارائه خدمات بهداشتی نمونه‌هایی از خدمات این قبیل سازمان‌های غیر دولتی بود. در واقع سازمان غیر دولتی در این مرحله نیازهای روز افراد را تشخیص می‌دادند و به برآورده ساختن آنها می‌پرداختند.

^۱ - ECOSOC

^۲ - globalization

- در مرحله دوم از تکامل، سازمان‌های غیر دولتی از لحاظ وسعت و اندازه کوچکتر شده و به مجموعه‌های مستقل و خودکفای محلی تبدیل شدند. سازمان‌های غیر دولتی در این مرحله از تکامل، امکانات جوامع محلی را گسترش دادند تا بتوانند با «اقدامات محلی مستقل» نیازهای آنها را برآورده سازند.
- کورتن مرحله سوم از تکامل و شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی را «توسعه نظام‌های پایدار»^۱ می‌خواند. در این مرحله، سازمان‌های غیردولتی می‌کوشند تغییراتی را در سیاست‌ها و موسسات در سطح داخلی، ملی و بین‌المللی به وجود آورند؛ آنها از نقش سابق خود که تامین و ارایه خدمات عملیاتی بود، فاصله گرفته و نقش کاتالیزوری به عهده گرفتند. به تدریج این سازمان از سازمان غیر دولتی امداد رسان به سازمان غیر دولتی توسعه و آبادانی تغییر ماهیت داد. (کلمن، ۱۳۸۴: ۵۱)

ویژگی‌های سمن‌ها

- ۱- خودجوشی و نیاز طبیعی: سازمان‌های مردم نهاد بنا بر نیاز طبیعی ناشی از شرایط فکری، محیطی، انگیزش‌ها، خصوصیات و آرمان‌های مشترک افراد و جامعه و به صورت خود جوش به وجود می‌آید.
- ۲- هدف و تعهد مشترک: افراد مؤسس سازمان مردم نهاد دارای هدف مشترک بوده و سایر افرادی که بعداً به عضویت این سمن‌ها در می‌آیند بر اساس هدف تعیین شده فعالیت نموده و نسبت به آن متعهد می‌باشند لذا پایداری آن مبتنی بر استواری اهداف و استمرار آن خواهد بود.
- ۳- قانونمندی: سازمان‌های مردم نهاد دارای ضوابط، روابط و سازمان کار مشخص و تعریف شده می‌باشند. این قوانین الزاماً منطبق بر شرایط و مقتضیات هر سمن بوده و می‌تواند دامنه متنوعی داشته باشد اما این قوانین به هر شکل و از هر نوع که باشد اساساً مورد توافق جمعی قرار گرفته و افراد خود را ملزم به رعایت آنها می‌دانند. (نادری، ۱۳۹۰: ۱۶)

^۱ - The development of sustainable systems

^۲ - A shared commitment

^۳ - Legality

۴- برنامه و فعالیت‌های مشخص: سازمان‌های مردم نهاد در راستای دستیابی به اهداف خود دارای برنامه و موضوع فعالیت در یک بخش یا یک رشته مشخص می‌باشند که ممکن است در طول سازمان یا به دلیل ایجاد تحولات تازه، موضوع فعالیت، اصلاح، تبدیل، تغییر و یا تحول پیدا کند که این تغییرات پس از طی مسیر مشخص قانونی انجام می‌پذیرد.

۵- جلب مشارکت^۱ و عضویت: سازمان مردم نهاد به دلیل دارا بودن ماهیت مردمی همواره در پی جلب مشارکت اعضای جدید برای دستیابی به قدرت عمل بیشتر و گسترش دامنه فعالیت و اثر بخشی در موضوع فعالیت خود می‌باشد. بنابراین عضو گیری و پذیرش عضو جدید لازمه ایجاد و ادامه فعالیت سمن‌ها بوده و هر عضو در سمن دارای جایگاه، نقش و وظیفه مشخص می‌باشد.

۶- هویت و شخصیت مستقل: سازمان‌های مردم نهاد دارای شخصیت حقوقی و هویت مردمی بوده و مدیریت آن (تصمیم گیری، برنامه ریزی، سازمان کار و ارزیابی) مستقل از دولت و دستگاه‌های اجرایی است. البته سمن‌ها و مجموعه دولت دارای ارتباطات و تأثیرات متقابل مشخص می‌باشند. (نادری، ۱۳۹۰: ۱۷)

۷- آزادی خلاقیت^۲: روابط افراد در سازمان‌های مردم نهاد مبتنی بر حفظ آزادی تفکر^۳ و عمل بوده و پدیده آورنده خلاقیت، ابتکار و نوآوری در جوانان می‌باشد.

۸- مشارکت و مسئولیت پذیری: یکی از ویژگی‌های سازمان‌های مردم نهاد، فراهم کردن زمینه‌های مشارکت جوانان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی کشور است که با کمک گرفتن از تحقیقات و پژوهش‌های مختلف با هر یک از عرصه‌های ذکر شده آشنا می‌شوند. (نادری، ۱۳۹۰: ۱۸)

اهداف سمن‌ها

سازمان‌های غیر دولتی برای رسیدن به اهداف گوناگونی فعالیت می‌کنند و معمولاً در جهت پیشبرد اهداف سیاسی یا اجتماعی اعضا در حرکت هستند. من باب مثال، به بهبود وضعیت

^۱ - Participation

^۲ - Freedom of creativity

^۳ - Freedom of thought

محیط زیست، تشویق گروه‌ها و مردم به رعایت حقوق بشر^۱، بالا بردن سطح رفاه اقشار محروم و آسیب پذیر یا مطرح ساختن یک برنامه مشترک و دسته جمعی می‌توان اشاره کرد. تعداد این قبیل سازمان‌ها بسیار زیاد است و اهداف آنها طیف وسیعی از موقعیت‌های سیاسی و فلسفی را در بر می‌گیرد. حتی می‌توان آن را بی شک به مدارس خصوصی و سازمان‌های ورزشی نیز ربط داد. به طور کلی اهداف زیر جهت تاسیس یک سمن در نظر گرفته می‌شود:

- فراهم ساختن شرایط تجربه زندگی و تقویت روحیه مسئولیت پذیری، وظیفه شناسی و پیشتازی جوانان در پیشبرد اهداف ملی^۲ و آرمانی

- فراهم ساختن شرایط مشارکت فعال و مؤثر جوانان در صحنه‌های فرهنگی و اجتماعی

- توسعه نقش جوانان در سازندگی کشور و استفاده بهینه از منابع انسانی جوانان برای تحقق توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور

- پرورش روح خلاقیت و هدایت قوه ابتکار جوانان در مسیر سازندگی و رفع نیازمندی‌های اساسی جامعه اسلامی^۳

- فراهم ساختن شرایط و امکانات لازم برای بهره‌گیری از استعدادهای فطری و توانایی‌های انسانی در دوران جوانی

- فراهم ساختن زمینه‌های جامعه پذیری و شیوه‌های وفاق و سازگاری جوانان با همسالان و محیط اجتماعی در جریان زندگی

- فراهم ساختن شرایط مشارکت عمومی در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی جوانان (باقری، ۱۳۸۹: ۶۲)

یافته‌های تحقیق

1 - human rights

2 - National targets

3 - Islamic society

انقلاب اسلامی؛ جامعه مدنی^۱ و نهادهای غیردولتی

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، تغییر در ساختار سیاسی در ایران، بروز نشانه‌هایی از گفتمان دموکراتیک به جای گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی و بالاخره انتخاب ساختار جمهوری از سوی رهبران انقلاب برای شکل نظام همه بیانگر سرآغاز جدیدی در حیات سیاسی معاصر ایران و فراهم شدن زمینه برای تکوین و نهادهای غیردولتی در ساختار اجتماعی و سیاسی ایران بود.

دوران آغازین با پیروزی انقلاب و تدوین قانون اساسی، که در آن حقوق و آزادیهای فردی^۲ به رسمیت و تشکیل اجتماعات و احزاب آزاد اعلان گردید، آغاز شد. در چنین فضایی مشارکت مردم در گسترده‌ترین شکل در جامعه وجود داشت. اما این مشارکت نه سازمان یافته و قاعده مند بلکه توده‌ای و ملهم از اندیشه‌های مذهبی و تحت تاثیر شخصیت کاریزمای رهبری انقلاب قرار داشت. حاکم بودن چنین شرایطی بر جامعه سبب گردید تا در ماه‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب سازمان‌های غیردولتی بوجود آمده رسالت اصلی خود، سازماندهی مشارکت مردم^۳، را یا فراموش کرده و یا مجالی برای تعقیب آن پیدا نکنند. به همین دلیل سازمان‌های اخیر بسیار زود کارکرد اصلی خود را فراموش کرده و رویکرد خیریه‌ای و یا تعقیب و تحقق اهداف خاص را دنبال کردند. (قلفی، ۱۳۸۴: ۵۲)

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران و پایان جنگ، رحلت امام (ره) و آغاز دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی بیانگر سرآغاز دوران جدیدی در تاریخ انقلاب بود. تفکرات رئیس جمهور وقت، لزوم بازسازی ویرانه‌های باقیمانده از دوران جنگ، واگذاری مأموریت اجرای نخستین برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی (۷۲-۱۳۶۸) بعد از انقلاب به دولت آقای هاشمی همه و همه سبب تقدم نوسازی اقتصادی^۴ در این مقطع گردید. تقدم نوسازی اقتصادی بر سیاسی در این دوران هشت ساله سبب ایجاد تغییراتی در ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه گردید. مهمترین تحول در ساختار مدیریتی در این مقطع تکیه بر تکنوکرات‌ها برای انجام نوسازی

^۱ - Civil society

^۲ - Individual liberties

^۳ - Public participation

^۴ - Economic modernization

از بالا و در حوزه سیاسی جایگزین تدریجی سیستم کلانیتالیستی به جای نظام توده‌ای^۱ بود. مهمترین مشخصه این مقطع انقباض جامعه مدنی و فعالیت باندها، محافل و گروه‌های صاحب قدرت به طور عمودی در جامعه به جای نهادهای مدنی^۲، احزاب و گروه‌های سازمان بود. (بهزادی نسب، ۱۳۸۳: ۳۱)

پیروزی آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری خردادماه ۱۳۷۶ و پیامدهای آن انقلاب ایران را وارد سومین مرحله از حیات سیاسی خود نمود. ویژگی بارز این مقطع رویکرد به گفتمان دموکراتیک و تلاش برای جایگزین ساختن جامعه مدنی بجای جامعه توده‌ای بود. وقوع چنین تحولی از یک طرف پیامد تغییرات ساختاری - جمعیتی بوقوع پیوسته در دهه دوم انقلاب و از طرف دیگر محصول دیدگاه‌های رییس جمهور وقت پیرامون دو مقوله توسعه و تثبیت انقلاب بود. (همان: ۴۹)

اگر چه حمایت از سازمان‌ها و نهادهای مدنی در هشت ساله دوره اصلاحات یکی از محوری‌ترین برنامه‌های دولت بود و پشتوانه‌های دولتی از سازمان‌های مردم نهاد تعداد تشکلهایی را که عمدتاً توسط جوانان و گروه‌های تخصصی اداره می‌شدند در یک دوره زمانی کوتاه افزایش داد اما بی اعتقادی به تاثیرگذاری سازمان‌های غیر دولتی و گرایش به مدیریت تمرکزگرا^۳ در دولتی که اتفاقاً صفت مردمی‌ترین دولت پس از انقلاب (محمود احمدی نژاد) را بر خود نهاده است شرایط را برای فعالیت سازمان‌های غیر دولتی در ایران به اندازه-ای دشوار کرد که تازه‌ترین خبرها در مورد سازمان‌های غیر دولتی چیزی جز حاشیه نشینی، انحلال و سرخورده شدن موسسان آنها وجود ندارد. (مقنی زاده، ۱۳۹۳: ۱۷) از سویی نگاه دولت جدید (حسن روحانی) نسبت به سمن‌ها بسیار مثبت است. اما باید گفت که تغییر نگاه دولت‌ها مشکل فعالیت سازمان‌های مردم نهاد را به صورت ریشه‌ای حل نمی‌کند. هم اکنون متولیان بسیاری از سازمان‌های مردم نهاد حوزه جوانان خواستار تدوین قانونی برای سمن‌ها هستند تا فعالیت و مشارکت آنها در امور اجتماعی و فرهنگی شکل قانونی پیدا کند و باید دولت و مجلس همت کرده و قانون مربوط به سازمان‌های مردم نهاد را تصویب کند. با این

¹ - Mass system

² - Civil society organizations

³ - Centralized management

شرایط و این بحث‌ها نیاز به یک آسیب شناسی وجود دارد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

آسیب شناسی سازمان‌های مردم نهاد در ایران

سازمان‌های غیردولتی یا مردم نهاد (سمن) بخشی از جامعه مدنی و گروه‌های ذی نفوذ در بستر جامعه کثرت‌گرا^۱ هستند که براساس آن، افراد متعدد با آرمان‌های مشترک، به منظور به دست آوردن امتیازاتی برای هدف خود یا آرمانی ویژه، موضع مشترکی را اتخاذ می‌کنند، دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهند بدون آنکه هدف منفعت طلبانه یا کسب قدرت را داشته باشند. مهمترین ویژگی‌های این سازمان‌ها را می‌توان در غیرحکومتی بودن، غیرسیاسی بودن، داوطلبانه بودن و غیرانتفاعی بودن خلاصه نمود. (عیسی زاده، ۱۳۸۸)

برای بررسی دقیق مبانی قانونی کشورها و کارایی نظارت سازمان‌های مردم نهاد، لازم است چهار سنجه و مولفه در نظر گرفته شود:

- آزادی‌های اساسی در قلمرو سازمان‌های مذکور
- اداره مطلوب
- امور مالی و پاسخگویی
- شفافیت

نبود قانون مستقل^۲ برای سازمان‌های مردم نهاد یکی از چالش‌ها و خلاهای بزرگ در نظام حقوقی ایران بوده است. ماده ۵۸۴ قانون تجارت را می‌توان اولین مقرر صریح در این ارتباط محسوب نمود. در این ماده به تشکیلات و موسسات دارای مقاصد غیرتجارتی اشاره نموده و ماده ۵۸۵ نیز شرایط ثبت موسسات و تشکیلات مذکور را به نظام نامه وزارت عدلیه ارجاع داد. پس از قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، ماده ۱۸۲ قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ به سازمان‌های غیردولتی پرداخت تا اینکه اولین آیین نامه تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۵ به تصویب هیأت وزیران رسید. آیین نامه مذکور در سال ۸۲ اصلاح و در تاریخ ۸۴/۳/۲۹ (بنا به پیشنهاد مورخ ۸۳/۵/۸ وزارت اطلاعات) از نو

^۱ - Pluralist

^۲ - Lack of independent law

تصویب شد. پس از آن نیز آیین نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم نهاد در تاریخ ۸/۵/۸۴ به تصویب هیأت وزیران رسید و هم اکنون مورد اجرا قرار می‌گیرد. (تقوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۴) با بررسی آیین نامه موجود حاکم بر فعالیت سمن‌ها در ایران، با وجود برخی پیشرفت‌ها و توسعه مناسب در برخی دوره‌ها (مانند دهه ۷۰) مشکلات قانونی زیادی مشاهده می‌شود و در مقایسه با قوانین سایر کشورها، عقب ماندگی‌هایی وجود دارد. از جمله: فرایند طولانی و سخت گیرانه تأسیس و ثبت، نظارت شدید برخی مراجع در بررسی صلاحیت‌ها و اظهارنامه‌ها، تداخل قانونی و موازی کاری در ثبت سازمان‌های غیردولتی، نبود مکانیزم‌های قوی و موثر شفافیت و گزارش دهی، عدم کارکرد واقعی سمن‌ها بعنوان نهادهای مدنی^۱ در اقدامات جمعی و تصمیم سازی‌ها، ضعف ساختاری و حقوقی در مسیر کمک و حمایت سمن‌ها از حقوق بشر و نظارت موثر بر دولت، عدم امکان فعالیت سازمان‌های غیردولتی خارجی، نبود مکانیزم‌های آسان جهت بهره‌گیری سازمان‌ها از نشریات، رسانه‌ها و تجمعات و غیره.

چالش مهم و بنیادی دیگر، وجود مقرره‌ای در قالب آیین نامه (و نه قانون مصوب مجلس) بعنوان مبنای حقوقی سازمان‌های مردم نهاد می‌باشد که همین ماهیت مقررده بودن، چالش‌هایی مختلفی را ایجاد کرده است. بنابراین هم اکنون مبنای حقوقی سازمان‌های مردم نهاد، نه قانون مصوب مجلس، که مقرره‌ای در قالب آیین نامه می‌باشد و تلاش برای تصویب قانون نیز در سال ۸۷ در قالب طرح (نه لایحه) در مجلس صورت گرفت که به جهت بروز برخی مشکلات و اعتراضات گسترده (به دلیل ضعف ماهوی و شکلی) از دستور کار خارج شد. به منظور ساماندهی وضعیت قوانین و مقررات حاکم بر فعالیت سازمان‌های غیردولتی «طرح ناظر بر تأسیس سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد» توسط نمایندگان مجلس تهیه گردید. طرح پیشنهادی سال ۹۲ مجلس، تلاش در مسیر تصویب قانونی جامع برای سازمان‌های مردم نهاد بوده است. طرح ناظر بر تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم نهاد در تاریخ ۳۰/۸/۸۹ در دوره هشتم مجلس شورای اسلامی با ۳۴ ماده اعلام وصول گردید و پس از تغییرات فراوان در کمیسیون اجتماعی با ۴۶ ماده در صحن علنی ارائه شد. اما رسیدگی به طرح سازمان‌های مردم نهاد تا ماده ۲۷ پیش نرفت و به علت مخالفت نمایندگان مجلس و

^۱ - Civil society organizations

اعتراض نمایندگان سازمان‌های مردم نهاد با برخی مواد طرح و بازتاب‌های منفی بین‌المللی، طرح مذکور مسکوت ماند و به کمیسیون اجتماعی بازگردانده شد و تا فرصتی برای بررسی تا پایان مجلس هشتم پیدا نمود و به مجلس نهم واگذار شد.

مجلس نهم طرح مذکور را با ۳۴ ماده مجدداً برای اعلام وصول به هیأت رئیسه ارائه نمود. پیشنهاد دهندگان با اعتقاد به اینکه این طرح پیش از این تا ماده ۲۷ به تصویب رسیده است قصد دارند طرح مصوب کمیسیون اجتماعی (طرح ۴۶ ماده‌ای) را مورد بررسی و تصویب قرار دهد. موضوعی که پیش از این نیز پرمشکل بودن و ناقص بودن آن از سوی صحن علنی مورد تأیید قرار گرفته است. (گزارش مجلس، ۱۳۹۲) در مقدمه توجیهی طرح آمده است: از آنجا که امروزه به ویژه در دو دهه اخیر سازمان‌های مردم نهاد از رشد چشمگیری برخوردار بوده و نظر به ضرورت فراهم ساختن بستر لازم برای مشارکت مردم و گروه‌های اجتماعی در توسعه پایدار کشور و نیز با توجه به تعدد قوانین ناظر بر فعالیت سازمان‌های غیردولتی در زمینه‌های ثبت، نظارت، فعالیت و ... و نیز فقدان پاسخگویی این قوانین و مقررات به مسائل و نیازهای سازمان‌های مردم نهاد به ویژه در زمینه‌های امور مالی و حقوق و تکالیف آنها در جامعه از یک سو و تعدد مراکز تصمیم‌گیری و برخورد سلیقه‌ای با سازمان‌های مردم نهاد از سوی دیگر و با در نظر گرفتن دلایل ذیل لزوم تدوین و تصویب قانون جامع و مستقل سازمان‌های مردم نهاد احساس می‌گردد:

- ابهامات در روابط بین سازمان‌های مردم نهاد و بخش‌های دیگر جامعه (دولت، بخش خصوصی و ...)

- مخدوش شدن مرزهای هویتی سازمان‌های غیردولتی و حوزه سیاسی
- مقوله تجهیز منابع برای سازمان‌های مردم نهاد در جامعه و موانع فراروی آن
- ابهام موجود در روابط بین سازمان‌های مردم نهاد و جامعه بین‌المللی
- فقدان تضمین شفافیت و پاسخگویی سازمان‌های مردم نهاد به گروه‌های ذینفع
- رسمیت یافتن نقش سازمان‌های غیردولتی در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در جامعه

- فراهم نمودن زمینه قانونی لازم برای تحقق و تأمین آزادی‌های اساسی آحاد مردم برای تسهیل در تأسیس (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۱: ۵۸)

طرح فوق دارای نکات قوت و ضعف متعددی است که جهت تدوین قانون جامع برای سازمان‌های غیردولتی، نیاز به دقت و واریسی است. در طرح پیشنهادی مجلس، هیأت‌هایی در سطح ملی، استانی و شهرستانی پیش بینی شده و اختیارات گسترده‌ای همچون سیاست گذاری، تدوین آیین نامه، نظارت بر سمن‌ها، مجازات متخلفان و... در نظر گرفته شده است. ایراد وارده به این هیأت‌ها از چند جهت می‌باشد که عمده آن در ترکیب هیأت‌ها است که از تمام قوای سه گانه و حتی خارج از آن در آن حضور دارند.

مستنبط از اصل ۵۷ قانون اساسی، امور کشور میان سه قوه تقسیم شده و هریک وظایف مربوط به خود را انجام می‌دهند و هیچ یک حق دخالت در صلاحیت قوای دیگر را ندارند. از این رو تشکیل هیأتی متشکل از نهادهای هریک از قوای سه گانه و حتی خارج از قوای سه گانه که همگی در تصمیم گیری‌ها سهیم هستند با اصل مزبور مغایرت دارد. (کوشکی، ۱۳۹۲: ۷۱) اشکال دیگر در این طرح، ترکیب غیر تخصصی و غیر ضروری هیأت عالی نظارت است که ماهیتی کاملاً دولتی و حکومتی به آن داده است در صورتی که باید نمایندگان سازمان‌های غیردولتی نیز در ترکیب مذکور حضور موثری داشته باشند.

نظام صدور مجوز در ایران پر حجم و سختگیرانه است و برخی محدودیت‌ها موجب کاهش فعالیت سمن‌ها و تشکل‌های مدنی واقعی در کشور شده است. متأسفانه در طرح پیشنهادی نمایندگان، همچنان سختگیری‌های موجود و طولانی بودن روند ثبت سمن، مورد تأیید قرار گرفته است و موسسین سازمان مردم نهاد با مراحل طولانی در فرایند ثبت خود مواجه هستند. در طرح پیشنهادی، شاهد ایجاد محدودیت و دخالت‌های گسترده دولت در سازمان‌های مردم نهاد است. با اصلاحاتی که در متن پیشنهادی مجلس در کمیسیون اجتماعی صورت گرفته نقش دولت چند برابر شده و این نوعی نقض غرض است. زیرا هزینه حضور دولت بیش از نفعی است که از حضور سازمان‌های غیردولتی خواهد بود. با مذاقه در مواد طرح متوجه می‌شویم که وزن و اهمیت کنترل و تعیین تکلیف برای این سازمان‌ها چنان است که تأثیر بازدارندگی آن در تأسیس بیش از آثار تشویقی آن است. (رمضانی، ۱۳۹۱)

در این طرح که به ظن پیشنهاد دهندگان در تطابق با سایر نظامات بین‌المللی و وضعیت حقوقی حاکم بر سازمان‌های غیردولتی سایر کشورها نگارش یافته است نکات مبهم و قابل

انتقاد دیگری نیز وجود دارد؛ همچون اشکال در ترکیب هیأت عالی نظارت، نحوه فعالیت سمن‌ها در سازمان‌های بین‌المللی، تشویق و تنبیه و شرایط بهبود مستمر عملکردی و ... در هر صورت در هر طرح و لایحه‌ای در ارتباط با سمن‌ها باید به نقاط عطفی چون آزادی و سهولت در تأسیس و ثبت و عدم دخالت دولت در شکل‌گیری و فعالیت این نهادها توجه داشت. نظارت بر آنها نیز باید منطقی باشد و بنا را بر اعتماد گذاشت. شفافیت و پاسخگویی سازمان‌های مردم‌نهاد به گروه‌های ذینفع و عموم شهروندان نیز باید تضمین گردد. (راعی، ۱۳۹۳: ۴۹) البته طرح فوق دارای نقاط قوت متعددی است که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

طرح ارائه شده بسیار جامع است و همه موضوعات مربوطه را در برمی‌گیرد. طرح مذکور حقوق و جایگاه مناسبی را برای سازمان‌های مردم‌نهاد در نظر گرفته است. رویکرد حاکم بر طرح با وضعیت موجود اصولاً بسیار بی طرفانه است.

با توجه به ظرفیت قانون اساسی، ضروری است که نهادهای حکومتی در حوزه قانون گذاری و اجرا با وضع قانونی عادی و صدور دستورالعمل‌های لازم، شرایط مساعدی را برای فعالیت و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد فراهم آورند تا امکان بیشتری برای توسعه یافتگی و افزایش توانمندی‌های نظام سیاسی ایجاد شود. از طرفی تعدد ضوابط ناظر بر فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و خلا قانونی جامع در رابطه، عدم تکاپوی مقررات فعلی و تعدد مراکز تصمیم‌گیری و عدم پاسخگویی و نظارت بر سازمان مذکور، با اعمال اصلاحات لازم در طرح پیشنهادی مجلس، تصویب این طرح بعنوان قانونی جامع و مستقل در فراهم آوردن بستر لازم برای تحقق مشارکت حداکثری مردم و افزایش نقش‌پذیری آحاد ملت در پیشبرد اهداف عالی نظام مقدس جمهوری اسلامی، موثر و مفید می‌باشد.

نقش سمن‌ها در توسعه سیاسی در ایران

امروزه اهمیت و ضرورت مشارکت آحاد مردم در اداره یک جامعه بر هیچ کسی پوشیده نیست. بخصوص در جوامع مردم‌سالاری همانند جمهوری اسلامی ایران که متکی بر حضور مردم در صحنه بوده و این حضور و مشارکت حداکثری نظام اسلامی ایران را از گردنه‌های صعب العبوری به سلامت به مقصد رسانده است. بنابراین با توجه به این تاثیرگذاری باید سازوکاری

برای مشارکت آحاد مردم در ابعاد مختلف جامعه نیز در نظر گرفته شود تا منسجم و قانونمند از ظرفیت و تخصص همه جهت کمک به حکومت در راستای حل بسیاری از معضلات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و ... بهره گرفت.

چند وقتی است در ایران همگام با فعالیت برخی گروه‌های سیاسی در قالب سمن‌ها شاهد تولد برخی سمن‌ها هستیم که کارکردی به جز کارکرد سیاسی ندارند هرچند نمی‌توان زحمات معدود سازمان‌های مردم‌نهادی که وظایقشان را به نحو احسن انجام می‌دهند نادیده گرفت لکن متأسفانه امروز بنام دفاع از محیط زیست، منابع طبیعی، حفظ درختان و انجمن خیریه و غیره سمن‌هایی سر بر آورده‌اند که در بزنگاه‌ها بجای دفاع از محیط زیست و غیره به دفاع از منافع سیاسی افراد و اشخاص می‌پردازند. این سمن‌ها که به نظر می‌رسد بسیاری از آنها فاقد مجوز هستند با فعالیت‌های نمایشی و استفاده از فضای مجازی در پوشش امور عام‌المنفعه، جوانان علاقه‌مند را جذب و سازماندهی کرده و بهنگام از آنان بهره‌برداری سیاسی می‌کنند. نمونه‌های فراوان این امر را می‌توان به وضوح دید و مصادیق آن را بر شمرد من جمله: اعلام حمایت این سمن‌ها در انتخابات مجلس شورای اسلامی از برخی کاندیداها، انتخاب ریاست جمهوری، راهپیمایی‌ها و ... به طور کلی می‌توان گفت که سمن‌ها در ایران جنبه اجتماعی بیشتری دارند و در بحث توسعه سیاسی متأسفانه فقط دیدگاه ابزاری نسبت به این نهاد وجود داشته است و در بحث سیاسی کارکردی ندارند.

نتیجه‌گیری:

با توجه به مباحثی که انجام گرفت بایستی گفت آشنایی روشنفکران ایرانی با غرب در ایران سده نوزدهم آنها را ترغیب به تشکیل نهادهای غیردولتی در ایران نمود؛ خواسته‌ای که با تحقق مشروطیت و تدوین قانون اساسی^۱ اگر چه به رسمیت شناخته شد، اما هیچ‌گاه در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب امکان تحقق نیافت؛ چراکه لازمه آن تحقق جامعه مدنی بود. پیروزی انقلاب اسلامی اگر چه این نوید را داد اما این امکان نیز بسیار زود از میان رفت و مشارکت توده‌ای در جامعه غالب شد. طرح جامعه مدنی در ایران معاصر از سوی آقای خاتمی، به عنوان رئیس‌جمهور، پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری خرداد

^۱ - Constitution

ماه سال ۱۳۷۶ بیانگر سرآغاز دوران جدیدی در تاریخ انقلاب بود؛ مقطعی که مشخصه اصلی آن جایگزینی مشارکت مبتنی بر مهندسی اجتماعی به جای مشارکت توده‌ای به منظور تثبیت انقلاب^۱ و رهایی از فرآیند ترمیدور بود. ابزار لازم برای نیل بدین منظور شکل گیری و فعالیت نهادهای مدنی از قبیل احزاب، انجمن‌ها و اتحادیه‌ها بود؛ کاری که در دوره‌های بعدی کم رنگتر شد. لذا، باتوجه به تجربیات تاریخی، از آنجا که این نهادها هم ابزار و هم غایت جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند آسیب شناسی به موقع و اتخاذ راهکارهای مناسب جهت مقابله با چالش‌ها حیاتی ترین موضوع برای نهادهای مدنی و رهبران آنها در مقطع کنونی حیات سیاسی ایران می‌باشد. مهمترین مسئله در باب ساماندهی وضعیت سازمان‌های مردم نهاد مدیریت مسئله‌شناسی و روش حل مسئله آنها است. به نظر می‌رسد در این مسیر سازمان متولی امر باید نسبت به مسئله دقیق هر سمن و خواسته‌ها و نگرش‌های آنها حساس بوده و نگذارد افراد غیر متخصص یا دارای نگرش‌های انحرافی اقدام به تاسیس سمن‌ها کنند چرا که این افراد به سلامت جامعه و زندگی مردم آسیب می‌زنند. به عنوان مثال فعالان فمینیسم در صورت تاسیس سمن تنها بر بحران تنافر جنسی و عدم ازدواج جوانان خواهند افزود و عموماً هیچ کارکرد مثبتی هم در ارتقا سطح زندگی خانواده‌ها و زنان و دختران ما ندارند. لذا نباید به چنین تفکراتی اجازه فعالیت سازمان یافته در جامعه داد. اما از آنسوی فعالان محیط زیست باید حمایت شوند چرا که کارکردی کاملاً در راستای تحقق آرمان‌های جامعه دارند و از سوی دیگر آگاهی افکار عمومی و مدیران نسبت به این مسئله در کشور ما بسیار پایین است. سازمان‌های متولی و سازمان‌ها نظارتی باید به لزوم تولد سمن‌ها در روند طبیعی خودشان توجه داشته باشند چرا که رشد قارچ‌گونه سمن‌ها با دستورات دولتی از بالا تنها بر فساد و ناکارایی آنها می‌افزاید. همچنین باید توجه داشت که سازمان‌ها و ساختارهای قدیمی و اصیل جامعه را نباید با ایجا سمن‌های مصنوعی تحت فشار قرار داد و نوعی رقابت اجتماعی میان ساختارهای کهن و سمن‌ها در جامعه به وجود آورد چرا که نهادهای مستقر توانایی بسیار بالاتری در زمینه مدیریت مسائل و مشکلات خود دارند لذا دولت باید نگاه حمایتی خود را علاوه بر سمن‌ها به این ساختارهای مستقر و جا افتاده نیز تسری دهد و حمایت جدی‌تری را از آنها به عمل آورد چرا که آنها توانایی خود را در حل مشکلات و مسائل در طول زمان نشان داده‌اند و از متن فرهنگ بومی کشور متولد شده‌اند.

^۱ - Consolidation of the revolution

منابع فارسی

کتاب

- ۱- ابراهیم زاده، عیسی و همکاران (۱۳۸۹)، بررسی نقش و اهمیت سرمایه اجتماعی در پویایی اقتصاد شهر با تأکید بر حکمروایی خوب شهر، نمونه موردی شهر زاهدان، مجموعه مقالات اولین کنفرانس اقتصاد شهر، ایران
- ۲- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، تهران: انتشارات اطلاعات
- ۳- براری، مرضیه (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد بر پایگاه اجتماعی- اقتصادی زنان سرپرست خانوار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران
- ۴- بی‌طرفیان، رضا (۱۳۸۸)، چند و چون فرهنگ سیاسی، اجتماعی در جهان و ایران، تهران: تارنمای رسالت
- ۵- خالقی فر، احمد (۱۳۸۷)، قدرت، زبان، زندگی روزمره در گفتمان سیاسی، تهران: آگاه.
- ۶- دایان، مک دائل (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمانی، ترجمه حسین علی نوذری، تهران: فرهنگ
- ۷- دریفوس، هیوبرت (۱۳۷۶)، فراسوی ساختگرایی و هرمونتیک، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی
- ۸- رضایی تبار، رضا (۱۳۹۱)، الگوی تعاملی توانمندسازی از طریق مشارکت‌های اجتماعی در کمیته امداد امام خمینی (ره) با رویکرد مسجد محوری، دانشگاه تهران: پردیس قم
- ۹- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۷)، قدرت. گفتمان. زبان، تهران: نشر نی
- ۱۰- سید جواد تقوی، نمین صیامی، فرشید؛ کتابدار، مجید رضا و محمد حیدری ساری (۱۳۹۰)، نقش تشکل‌های مردم‌نهاد در نظارت بر بازار، شرکت چاپ و نشر بازرگانی
- ۱۱- عبد الرضا باقری و مهدی شهبازی (۱۳۸۹)، حکمرانی خوب در مدیریت محلی شهر تهران با تأکید بر سرمایه اجتماعی شورایاری محله‌ها، اولین همایش شهروندی و مدیریت محله‌ای حقوق و تکالیف: تهران
- ۱۲- عیسی زاده، محمد (۱۳۸۸)، حقوق اساسی و جامعه مدنی، تهران، علم و دانش
- ۱۳- کایر، آنه مته (۱۳۸۶)، حاکمیت، ترجمه ابراهیم گلشن و علی آدوسی، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی

۱۴- کلمن جیمز، (۱۳۸۴)، بنیادهای نظری اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی: تهران

۱۵- مقنی زاده، محمدحسن (۱۳۹۳)، سازمان‌های غیردولتی نهادی برای سازماندهی مشارکت در جامعه مدنی، مجموعه مقالات نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در عرصه فعالیت‌های ملی و بین‌المللی تهران. دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور

مقالات

۱- پور محمدی، محمدرضا و دیگران، (۱۳۹۰)، حکمروایی مطلوب شهری بر بنیان سرمایه اجتماعی نمونه موردی کلان شهر تبریز، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، شماره اول

۲- راعی، مسعود و عطریان، فرامرز (۱۳۹۳)، استقلال سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران، فرانسه و سوئیس، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۲

۳- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۹۰)، مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، شماره ۸

۴- قلفی، محمد (۱۳۸۴)، رویکرد شبکه سازی در سازمان‌های غیردولتی، ماهنامه صالحین روستا، شماره ۲۶۶

۵- کوشکی، غلامحسین (۱۳۹۲)، سازمان‌های غیردولتی: از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوای عمومی، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۴

۶- مبشری، محمد، (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی چیست؟، مجله عصر کیفیت، شماره نهم و دهم

۷- محمد حسین رضانی قوام آبادی و جعفر شفیعی سردشت (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی طرح ناظر بر تأسیس، فعالیت و نظارت بر سازمان‌های مردم نهاد، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۸

۸- نادری، محمد مهدی (۱۳۹۰)، حکمرانی خوب؛ معرفی و نقدی اجمالی، سال اول، شماره اول

پایان نامه

۱- بهزاد نسب، جانعلی (۱۳۸۳)، تحلیل مکانی- فضایی رویکرد برنامه ریزی ارتباطی در توسعه دارای طرح بهسازی (هادی) استان تهران، رساله دکتری، دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس

۲- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۱)، موانع رشد و گسترش سازمانهای غیردولتی در ایران. رساله دکتری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس